

مصاحبه رادیو انترناسیونال با منصور حکمت درباره مباحثات کنگره سوم حزب کمونیست کارگری

آذر ماجدی - چرا کنگره سوم حزب کمونیست کارگری بصورت علنی برگزار شد و از تمام سازمانهای اپوزیسیون و تعداد وسیعی میهمان دعوت شد که در کنگره شرکت کنند؟

منصور حکمت - کنگره هر حزب سیاسی باید علنی باشد. اصل بر این است که احزاب سیاسی پدیده هایی علنی هستند و کنگره هایشان هم علنی است. و نه فقط علنی است، باید قاعدتا رادیو و تلویزیون کنگره احزاب بزرگ را بطور زنده برای مردم پخش کنند. کنگره باید جایی باشد که هر کسی میخواهد از نزدیک شاهد مباحثات باشد، بتواند در آن شرکت کند و به مباحثات گوش دهد، همانطور که در مجلس یک کشور میشود رفت و به مباحثات گوش داد، در کنگره یک حزب سیاسی اصلی جامعه هم باید بتوان همین کار را کرد. اینکه احزاب کمونیستی ناگزیر شده اند راه فعالیت مخفی را اختیار کنند، یا چنین مجامعی را پنهانی انجام دهند، بخاطر فشارهای پلیسی و نظامی دولت های استبدادی و خطر تروریسم دولتی و غیره است. وگرنه اگر این فرضیات را برداریم هر حزب کمونیستی باید کنگره اش در دسترس مردم باشد و مردم باید از آن مطلع باشند. این یک اتفاق عمومی است و باید در دسترس عموم باشد. حزب کمونیست کارگری یک گروه کوچک تئوریک و یا تبلیغاتی نیست که مسائلش بخودش مربوط باشد. یک حزب سیاسی معتبر کشور است و مساله ای که برای این حزب اتفاق میافتد مثل کنگره، یک مساله عمومی است و عموم باید بتوانند به آن دسترسی داشته باشند.

آذر ماجدی - البته قبول میکنید که این یک سنت شکنی است در میان اپوزیسیون ایران، چون تا بحال چنین اتفاقی نیافتاده که سازمان های اپوزیسیون کنگره ها و یا کنفرانس های سازمانی خود را علنی اعلام کنند.

منصور حکمت - به آن اپوزیسیون کاری نداشته باشید، اگر ما میخواستیم راه این اپوزیسیون را طی کنیم که هیچ صحبتی از یک پیروزی علیه جمهوری اسلامی یا یک جامعه آزاد هم نمیتوانستیم بکنیم. این اپوزیسیون یک اپوزیسیون از پا افتاده، بدون تاثیر، خنثی و حاشیه ای است. بخش مهمی از تاریخ جنبش ما، یعنی جنبش کمونیسم کارگری، جدا شدن از سنت های عقب مانده و تحمیل شده توسط اختناق است که در اپوزیسیون ایران حاکم بوده. واضح است ما الگوهای این اپوزیسیون را نپذیرفته ایم و همیشه آنرا نقد کرده ایم و از آن فاصله گرفته ایم.

آذر ماجدی - آیا این باین معنا است که نوارهای مباحث یا نوارهای ویدئوی ای که در کنگره گرفته شد در اختیار مردم قرار داده خواهد شد؟ آیا در ایران مردم میتوانند به این نوارها دسترسی داشته باشند؟

منصور حکمت - اگر رژیم اسلامی و وزارت ارشاد و اصلاح طلبان و غیره رضایت بدهند که مردم بتوانند به چنین نوارهایی دسترسی پیدا کنند که قطعاً بدست همه خواهد رسید! ما حتماً این نوارها را تکثیر میکنیم و در اختیار محافل مختلف در ایران قرار میدهیم. ما بطرق مختلف اینها را در ایران پخش خواهیم کرد. واضح است که در این اختناق بخشی از کار هم بدوش خود مردم است، که بروند و نوارها را پیدا کنند. چون نمیتوانیم

متأسفانه این مباحث را مثل شرح جلسات دفتر تحکیم وحدت یا صحبت‌های خامنه ای در نماز جمعه بگذاریم سر خیابان. ولی کاری میکنیم که این نوارها وسیعا در ایران پیدا شود، و هرکس یک قدم بردارد بتواند پیدایش کند.

آذر ماجدی - البته ما از رادیو انترناسیونال بعضی از مباحث را پخش خواهیم کرد. اهمیت این کنگره حزب کمونیست کارگری در شرایط حاضر چیست؟

منصور حکمت - کنگره سوم حزب کمونیست کارگری آخرین مجمع بزرگ مقننه و تصمیم گیرنده کل حزب بود، که بنظر من، قبل از بحران سیاسی تعیین کننده ای که در ایران دارد اوج میگیرد، برگزار شد. کنگره بعدی دیگر احتمالا بعد از تعیین تکلیف جمهوری اسلامی خواهد بود. در نتیجه کنگره متمرکز شد روی نقش حزب کمونیست کارگری ایران در آینده ایران و آینده قدرت سیاسی در ایران و تعیین سرنوشت جامعه ایران در جریان انداختن جمهوری اسلامی و در جریان جامعه ای که بعد از آن باید شکل بگیرد، حکومتی که باید شکل بگیرد. کنگره تربیونی بود برای اعلام آمادگی حزب و ایجاد زمینه های کافی برای ایفای نقش حزب در تعیین سرنوشت جامعه ایران.

آذر ماجدی: چند تا قطعنامه مهم و اصلی در این کنگره مطرح شد. یکی از آنها درباره اوضاع سیاسی بود، لطفا مختصرا توضیح دهید که این قطعنامه روی چه مباحثی خم شد؟

منصور حکمت: برای کسانی بحث های ما را در انترناسیونال هفتگی دنبال کرده باشند، این قطعنامه تازگی ندارد. باین معنی تحلیل و نتیجه گیری ما را از اوضاع سیاسی را بیان میکرد. ما معتقد هستیم که جمهوری اسلامی نمیتواند بماند، بدلائل سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی. این حکومت عمرش را کرده است و رفتنی است. اینکه این رفتن چه مراحل را طی میکند بحث دیگری است. این حکومت قابل دوام نیست جدال برای سرنگونی آن و بر سر اینکه چه چیزی باید بجای آن بنشیند آغاز شده است. و حزب کمونیست کارگری معتقد است که این نیرو باید یک نیروی چپ و کمونیست کارگری باشد و جامعه آزاد، برابر و انسانی فقط از طریق کمونیسم کارگری و آلترناتیو سوسیالیستی امکانپذیر است. ما برای یک جمهوری سوسیالیستی مبارزه میکنیم و این مبنای بحث قطعنامه اوضاع سیاسی بود.

آذر ماجدی - یکی دیگر از قطعنامه های مهمی که در آنجا مطرح شد اوضاع کنونی و موقعیت ویژه حزب کمونیست کارگری بود که شما در این مورد سخنرانی کردید. نکات اصلی این قطعنامه کدامست؟

منصور حکمت - ماگر بخواهم ساده و کوتاه بگویم، جمهوری اسلامی رفتنی است. عمر جناحهای اصلاح طلب حکومت باندازه خود حکومت است. یعنی اگر جمهوری اسلامی ای در کار نباشد، جناح اصلاح طلب آن هم بی معنی است. آن جناحی که الان جناح اصلاح طلب حکومت را تشکیل میدهد نیرویی در آینده ایران نخواهد بود و نقشش تا وقتی مطرح است که جمهوری اسلامی هست. باید حکومت اسلامی باشد که آنها بخواهند اصلاحش کنند. در نتیجه آنها که میخواهند جمهوری اسلامی را نگاه دارند، با سرنگونی جمهوری اسلامی اعتبار سیاسی شان هم از بین میرود و نقش شان در جامعه ایران بشدت حاشیه ای میشود. نیروهای دیگری عروج میکنند.

حزب کمونیست کارگری چپ جامعه را نمایندگی میکند، و من فکر میکنم که محافظه کاران طرفدار غرب بیرون حکومت فعلی، رژیم سابقی ها، جریانات ناسیونالیست، جمهوریخواه و غیره که علنا پرو غرب هستند، جناح راست جامعه را نمایندگی خواهند کرد. جدال این چپ و راست سرنوشت مملکت را تعیین میکند. قطعنامه میخواست اینرا بگوید که چپ میتواند پیروز بشود. راه طولانی و سختی است ولی میتواند این پیروزی بدست بیاید. حزب کمونیست کارگری میتواند بعد از مدتها پرچمدار عروج کمونیسم در یک کشور مهم جهان باشد. نه تنها سرنوشت این مساله در ایران، بلکه سرنوشت کمونیسم در جهان میتواند از این حرکت مردم ایران تاثیر بپذیرد. و اوائل قرن بیست و یک میتواند خیلی شبیه اوائل قرن بیست بشود.

آذر ماجدی _ شما در این سخنرانیان که با استقبال بسیار گرم شرکت کنندگان در کنگره مواجه شد، راجع به دریچه ای صحبت کردید که به روی کمونیسم کارگری باز شده. چرا این تشبیه را استفاده کردید؟

منصور حکمت _ من میخواستم اینرا تاکید کنم که اولاً فرصتی که برای ما بوجود آمده محدود است و تا ابد باز نیست. دروازه بزرگی نیست. پیروزی ساده نیست، محتوم نیست. اجتناب ناپذیر نیست. بلکه یک فرصت تاریخی است و میخواستم حزب را فراخوان بدهم به درک نقش تعیین کننده ای که تشخیص بموقع و پراتیک اصولی تک تک افراد این حزب در این دوره دارد.

کمونیست ها سنتا معمولا شعار داده اند که پیروزی اجتناب ناپذیر است، "کارگر پیروز است". ما به این جبر اعتقاد نداریم. ما معتقدیم که برای هر پیروزی باید جنگید. پیروزی و شکست هر دو محتملند. و این فرصت تاریخی که برای چپ در ایران از کانال پیروزی حزب کمونیست کارگری فراهم آمده، فرصت معین و محدودی است. اگر از آن استفاده نکنند میروود تا سی سال دیگر و ما به این معنی از یک دریچه ای که باز شده صحبت کردیم و اینکه باید اینرا شناخت، از این فرصت استفاده کرد، باید فرصت را شناخت و بر سستی و آماتوریسیم و محدودنگری فائق آمد. اکنون یک رسالت تاریخی مهم روی دوش حزب کمونیست کارگری قرار گرفته است. میتواند بدرستی انجامش دهد و پیروز شود، و میتواند این فرصت را نبیند و شکست بخورد. هر دوی اینها ممکن است. بیک معنا قطعنامه فراخوانی بود برای به میدان کشیدن آدمها با عقل، درایت، و تعهد و انرژی کافی.

آذر ماجدی _ شما همچنین در این مورد صحبت کردید که این شرایط میتواند کمونیسم را یکبار دیگر بر نقشه نه فقط ایران بلکه جهان قرار دهد. در اینمورد لطفا توضیح بدهید.

منصور حکمت _ بقدرت نزدیک شدن یک حزب کمونیستی کارگری رادیکال، یک کمونیسم کارگری از نوع بلشویک ها، یک کمونیسم مارکسی، پیشروی چنین کمونیسمی در یک کشور ۶۰ میلیونی بسیار در جهان امروز پر اهمیت است. این چیزی نیست که دنیا را دست نخورده باقی بگذارد. مثل پیروزی لنین و بلشویک ها در روسیه آنروز، پیروزی کمونیسم کارگری در ایران امروز جهان را بشدت تحت تاثیر قرار میدهد و معادلات آنرا عوض میکند. عدالت طلبی را دوباره در دستور جوامع بسیاری قرار میدهد، چپ گرایی را میگذارد در دستور جوامع بسیار، کمونیسم را در مبارزه فکری جهان و یا سیر تکوین اندیشه فلسفی و سیاسی و اقتصادی مجددا مطرح میکند.

مارکس را مجدداً بمیدان می‌آورد و در دستور تحقیق و تتبع و بحث و جدل اجتماعی قرار می‌دهد. پیروزی کمونیسم و یا حتی نزدیک شدن به پیروزی در ایران بنظر من اقدامی است بهمان اندازه مهم که انقلاب بلشویکی در اوایل قرن قبل. علتش هم اینست که ایران کشوری بسیار پر اهمیت است. با توجه به اندازه های اقتصادی، اجتماعی، جمعیتی اش، موقعیت سوق الجیشی اش، و تاثیراتش در منطقه، تاثیراتش بر کشورهای مشابه و حتی کشورهای پیشرفته، کشوری بسیار با اهمیت است، یک کشور کوچک و حاشیه ای نیست. از نظر سوق الجیشی یکی از کشورهای مهم جهان است. و یک حرکت کمونیستی قدرتمند در این کشور دنیا را متوجه کمونیسم میکند و کمونیسم را میبرد به خانه های مردم و در کارخانه ها و دانشگاه ها. من در این تردیدی ندارم. خود این پیروزی سخت است ولی اگر واقعا چنین پیروزی ای در ایران رخ بدهد در اینکه عواقب تاریخ ساز و تکان دهنده بین المللی خواهد داشت هیچ تردیدی نیست. اگر اینرا از خود آمریکایی ها هم بپرسید بشما خواهند گفت.

آذر ماجدی _ شما در کنگره به حاضرین و به فعالین کمونیسم کارگری فراخوان دادید که خطیر بودن اوضاع را درک کنند. به کسانی که رادیو را گوش میدهند و در آنجا حضور نداشتند و در واقع چپ جامعه هستند و خود را به جنبش کمونیسم کارگری متعلق میدانند، چه میگویید؟

منصور حکمت_ ما گفتیم که در ایران باید مساله قدرت تعیین تکلیف شود و حزب باید مرکز این جدال باشد و نقش خود را انجام بدهد. نمایندگان اعضا و کادرهای حزب این بحث را شنیدند. نوارها و بحث ها پخش میشود، حتما خیلی ها متوجه میشوند. ببینید حزب کمونیست کارگری یک سازمان نیست. حزب کمونیست کارگری نوک تیز یک جنبش اجتماعی است و بسیار بسیار هستند کسانی که در ایران خود را آگاهانه با این جنبش میدانند و این جنبش را دنبال میکنند. کسانی هستند که در یک قدمی تعلق به این جنبش قرار دارند. ما در بدترین شرایط یک نیروی چند صد هزار نفره و بنظرم بطور واقعی چند میلیون نفره را در ایران نمایندگی میکنیم. وقتی که پرچم مان را در ایران برافرازیم، بنظر من، اکثریت مردم را در مقابل جمهوری اسلامی نمایندگی میکنیم. ما نماینده یک "نه" بزرگ به جمهوری اسلامی، تمام تبعیضاتش، تمام عقب ماندگیهایش، تمام اختناق و ارتجاعی که بر آن مملکت حاکم کرده هستیم و این "نه" بزرگ، "نه" مردم است. در نتیجه فراخوان من به کسانی که حزب را دوست دارند اینست که متشکل بشوند، توجه بیشتری بکنند به اینکه حزب چه رهنمودهایی میدهد و اینکه چه نقشه هایی را طرح میکند و به کسانی که تازه دارند با حزب آشنا میشوند فراخوانم اینست که عجله نکنند، این فرصت تنگ است، باید یک جنبش اجتماعی عظیم ساخت. نباید گذاشت یک نوع راست برود و یک نوع راست دیگر بیاید. آینده این مملکت باید یک آینده چپ باشد. و حزب کمونیست کارگری برای ایفای نقشش دارد خود را حاضر میکند.

آذر ماجدی _ در مورد نقش طبقه کارگر و موقعیت آن هم صحبت شد. در اینمورد شما چه صحبتی دارید؟

منصور حکمت_ واقعیت اینست که هر وقت طبقه کارگر تکان بخورد دیگر جمهوری اسلامی رفته است. سوال اینست که طبقه کارگر کی تکان میخورد، کی در آن مقیاسی که از آن انتظار میروند تکان میخورد. کنگره یک مقدار روی این مساله بحث کرد. بحث هایش هم بنظر من جالب بود. چون جوانب مختلفی تزهایی که در آنجا

مطرح شده بود موافق و مخالف بسیاری داشت. کارگر ایرانی در چه شرایطی پا به صحنه سیاست، بمعنی اخص کلمه، میگذارد؟ چه شرایطی را باید تامین کرد تا کارگر بتواند اینکار را بکند و بمشابه یک طبقه نقش بازی کند؟ الان دور دور حرکت‌های خیابانی است که بیشتر جنبش دانشجویی و جوانان در آن فعال هستند، هنوز مبارزه به آن سطحی نرسیده که طبقه کارگر حس کند که میتواند و میخواهد یک نقش رهبری کننده سیاسی بعهدہ بگیرد. بعنوان یک حزب کمونیستی ما موظفیم این ملزومات را فراهم کنیم. آن اتحاد و اعتماد به نفس و آگاهی به نقش سیاسی خود را در طبقه بوحود بیاوریم که این نقش را بازی کند. وقتی که کارگر نفت، کارگر صنعتی ایران متشکل حرکت بکنند، اعم از اینکه حرکت متشکلشان مستقیماً علیه دولت باشد یا نه، وقتی معلوم شود که کارگران به حرکت خود سروسامان داده اند و بعنوان یک جنبش اعتراضی اعتصابی به میدان آمده اند، بنظر من شمارش معکوس سرنگونی جمهوری اسلامی شروع میشود. ما برای چنین شرایطی تلاش میکنیم و کنگره روی جوانب مختلف این مساله خم شد.